

فشرده سخنرانی پوهاند تور دیقل میمنگی عضو شورای اجرائیه مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان در تجمع اعتراضی افغانهای مقیم دنمارک یکجا با جمع بزرگی از هواداران صلح و عدالت از کشور های مختلف جهان در شهر کپنهاگ دنمارک

یکشنبه 29 مارچ 2015

= میدان شهرداری کپنهاگ

این تجمع اعتراضی از ساعت پنج عصر الی هفت شام روز یکشنبه با اشتراک صدها تن از افغانستانی های مقیم دنمارک، در اعتراض به قتل فجیع و غیر انسانی دوشیزه فرخنده برگزار گردید. درین گردهمایی بر علاوه هموطنان افغانستانی، جمع بزرگی از دیگر باشندگان خارجی دنمارک از کشور های مختلف جهان، دنمارکی ها و خبر نگاران رسانه های مختلف خبری اشتراک نموده و با علاقمندی سخنرانی ها را بدرقه نمودند.

این گردهمایی با امضای یک قطعنامه و محکوم سازی این فاجعه، باکیفر خواست مناسب و قانونی برای عاملین و مجریان آن بپایان رسید
محتوای اساسی :

- ادای احترام به حاضرین و پیام همبستگی
- ریشه یابی علل و عوامل بنیادین این فاجعه
- نقش حلقات فرصت طلب و آشوبگر با استفاده از فخر، جهل، خرافه و سنت های عقبگرایانه و تحمیق در چگونگی خلق این فاجعه و دیگر فجایع.
- نقش ادیان و آیدالوژی ها در افزار سازی توده ها، با قرائت های خودخوانده از دین و دیگر تفکرات
- نقش دولت ها و حاکمیت ها در چگونگی شکل گیری و بر خورد با اینگونه حوادث
- قانون و اهمیت آن در تنظیم حیات جامعه و جلوگیری از تحمیل اراده افراد بجای قانون
- برخورد علمی و منطقی با مفاهیم آزادی، حقوق بشر، حق زن و غیره در جامعه، و جلوگیری از افزاری شدن این مفاهیم
- ارزیابی قتل فرخنده از زاویه یک مانور امتحانی از جانب دشمنان آزادی و دموکراسی در افغانستان

سلام دوستان !

با ادای احترام و فرستادن درود بر روان پاک شهید فرخنده و جمیع جان باختگان مظلوم در افغانستان و دیگر نقاط جهان و ابراز نفرت بر علیه کلیه مظاهر خشونت و بیدادگری، جهل و تحمیق فاجعه آفرین، در ادامه گفته های ارزشمند دیگر سخنوران این گردهمایی، منم سخنان چندی را حضور شما عزیزان تقدیم میدارم.

درین هوای سرد و بارانی ، تجمع این کتله بزرگ و هدف مند انسانی، که همه باهم خواهان ابراز نفرت و انزجار قلبی در رابطه با فاجعه قتل و حشیانه دوشیزه فرخنده ، و مجازات عاملین این تراژیدی بزرگ در سرزمین جنگ زده و ویران افغانستان هستیم، خود مظهر یک همبستگی جهانی منادیان و پیروان راه حق و عدالت ، و مردم افغانستان در سرتاسر عالم است، که بذات خود امر یست نیک و امید وار کننده که، مسأله

شکل گیری یک همبستگی جهانی ضد بیداد و خشونت را از نام و عنوان انسانیت، با عبور از کلیه انواع تعلقات به نمایش میگذارد

من از اعماق قلبم و باتمامی وجودم به همه شما دلباختگان آزادی و عدالت ادای احترام نموده، و آرزومند تداوم و تکامل این امر نیک یعنی همبستگی انسانی در مسیر مبارزه با بیداد گری و خرافات تمامیت طلبانه در کلیه اشکال آن، سوای همه انواع اختلافات فکری، مذهبی، عقیدتی، سیاسی و آیدالوژیکی، تا بی نهایت تاریخ فردا میباشم.

درین فرصت، قبل برین که نقطه نظرات خود را در قبال این حادثه شوم و خونین، حضور شماعزیزان و دیگر اعتراضیون دادخواه در سرتاسر جهان تقدیم بدارم، با قاطعیت این فاجعه را از جانب خود و مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان، همچنان فدراسیون فرهنگی تورکان افغانستان، محکوم نموده و نفرین قلبی خویش را حواله عاملین و مجریان این درامه وحشت و بربریت مینمایم.

ضمناً از مجریان قانون و عدالت در افغانستان و جامعه جهانی تقاضا میدارم که، بنام انسان و انسانیت، با غلبه وجدانی و عدالت گسترانه بر کلیه موانع مصلحتی و فرمایشی، عوامل آشکار و پنهان این قضیه را شناسایی، دستگیر و به پنجه قانون تسلیم بدارند، تا مکافات عمل ایشان، در مطابقت با قانون تعیین و اجرا گردد.

افغانستان کشوریست که، باشندگان آن از سالیان متمادی بدینسو، محکوم به تحمل انواع بیداد گری ها، به شیوه های متنوع آن بوده، و انسان درین سرزمین دایما از حقوق انسانی خود محروم، و حق انسان با عناوین مختلفی پامال هوا و هوس قدرت طلبان، تمامیت خواهان و جانبیان بی رحم از داخل و خارج گردیده است.

رسم استفاده افزاری از دین، ملیت، قوم، قبیله، نژاد، منطقه، سنت، جهالت، فقر، طی دهه های واپسین تاریخ، آیدالوژی و مکتب های فکری راست و چپ، یکجا با مسایل مقدسی چون حقوق بشر، حقوق و آزادی زنان، منافع ملی، آزادی و غیره امریست دیرینه و معمول که، سیاه ترین صفحات تاریخ این سرزمین، با فجایع بر خاسته از اینگونه افزار سازی های دینی و غیر دینی رقم میخورد.

اگر حرف از بنیاد گرایی و تعصب، با استفاده افزاری از اعتقادات، ارزشها و مقدسات جمعی باشد، این امر را نباید محدود به پیروان ادیان مختلف بالخاصه اسلام نمود، زیرا این پدیده، یک فرآیند تاریخی و کثیرالابعاد است که، ما در تاریخ نمونه های متنوع آنرا میتوانیم پیگیری و مورد مطالعه قرار دهیم.

به همان پیمان که از مذهب استفاده افزاری صورت گرفته و میگیرد، به همان پیمان که در گذشته و حال، از افکار و عقاید غیر دینی و پیشرفته ترین سیستم های فلسفی و آیدالوژیکی جهان، بگونه افزاری و سرکوبگرانه استفاده های وحشتناکی صورت گرفته و میگیرد که، ما بارز ترین نمونه های آنرا، در بر خورد های غیر انسانی و مخالف ستنیزانه پیروان اندیشه ها و آیدالوژی های چپ و راست، از مارکسیسم و لینینیسم تا مکاتب مختلف اسلامی و جهادی چون احزاب و تنظیم های جهادی، طالب، القاعده، و اکنون هم داعش را در کشور خود و زندگی مردم ستمدیده افغانستان میتوانیم با تمام فجایع بر خاسته از آنها مورد ارزیابی قرار دهیم که، دامنه آن تا همین اکنون هم ادامه دارد.

چنانچه ما همین اکنون هم شاهد وجود معتادین تعصب و بنیادگرایی چپ و راست، باحفظ رابطه های آشتی ناپذیر، با تمام مخالفین اعم از دینی و غیر دینی در جامعه خود، خصوصاً نسل های باز مانده و در قید حیات از آن گذشته های شوم هستیم که، راه هرگونه اصلاح فکری و عدول از مفکوره های التقاطی و همدیگر ستیزانه، در روح و روان ایشان مسدود بوده، و از هر حادثه در جهت اثبات حقانیت خود و طرد مخالفین بعنوان دشمن، خواهان بهره گیری میباشند.

که در قضیه شهید فرخنده، آن دختر محجبه و مومن به اعتقادات عمیق اسلامی هم، این برخورد انقطابی و افزار آفرین تا جایی به وضوح قابل فهم و مطالعه است.

بعنوان نمونه، کمتر کسی از گروگان شدن کارگران هزاره، و یا قتل یک عده صرف به جرم هزاره بودن و قربانیان کنلوی کمین گیریها، شبیخونها، انفجارها و انتحارها در نقاط مختلف کشور، منجمله صفوف اردو و نیروهای امنیتی، با علل و عوامل آنها سخن گفته و راه حل پیشنهاد مینماید، که سخت اسفبار و تشویش آفرین نسبت به سرنوشت امروز و فردای کشور میباشد.

سرکشیدن طوفانی و بلا انقطاع شعارهای زنده باد و مرده باد، با پاره کردن تصاویر و آتش زدن ها به قرآن و غیره، گویای زنده و غیر قابل انکار، موجودیت کتله های بنیادگرای قابل ملاحظه دینی و غیر دینی در جامعه است که، اگر فرصت میسر شود، بلا تردید فجایع دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، استیلای چپاولگران جهادی، حاکمیت فاشیستی مذهبی طالبانی، مهمه وحشت داعش و القاعده راهزنان بار تکرار خواهند کرد، باز هم با آراستن کشتارگاه ها و پولیگونهای قتل های بدون محاکمه، ایجاد زندانهای مخوف دهمزنگ و پلچرخی، دموکراسی نوپا و ناقابلی را که در جامعه ما بر خلاف میل و اراده ایشان وارد گردیده است برای همیشه خاک سپاری خواهند نمود.

البته سیر صعود جهانی اینگونه افزار آفرینی ها، و آتش فتنه را که، بخش بزرگی از جهان امروزی را، از افغانستان تا سوریه، یمن، لیبیا، لبنان، فلسطین، عراق، نایجریا، افریقای مرکزی، سودان جنوبی، تایلند، فلپین، اکراین، روسیه، یونان، پاکستان، هند، ایران، عربستان سعودی و غیره کشورهای آسیایی، اروپایی، افریقای، امریکای لاتین را به خود مصاب نموده، و روز تا روز هم روبه گسترش میباشد، نباید نادیده گرفت که، برای امروز و فردای بشریت خطرات غیر قابل پیش بینی را در قبال خواهد داشت.

قتل وحشیانه و دور از تصور فرخنده، در روز روشن و حضور داشت جمع بزرگی از مردم و نیروهای امنیتی، آنها در متن شهر کابل و یک کیلومتری ارگ ریاست جمهوری، و مزدحم ترین منطقه شهر یعنی مسجد زیارت شاه دوشمشیره، بمعنی واقعی آن یک فاجعه تکانهنده و وحشتناک است. اما مردم افغانستان و جهان هرگز باور ندارند که، این فاجعه از نوع خود اولین و آخرین آن میباشد. زیرا با صرف نظر از گذشته ها که، تماس و توضیح فجایع تاریخ، قبل از چهار دهه واپسین، که دور از حوصله این گردهمایی، آنها در یک چنین هوای بارانی و سرد است، کافیسیت هر یکی از شما که در اینجا حضور دارید، بخویشتن نگاه نموده، و سوال چگونه سربه نیست شدن عزیزان خود را، از هفت ثور 1357 تا به امروز، و چگونه ویران شدن شهر کابل را باقتل عام هزاران انسان بدست تفنگداران تنظیمی به پرسش بگذارید، که امر نابودی هیچ یکی از آن انسانهای بیگناه که به جرم دیگر اندیشی و دیدناری از جانب به اصطلاح انقلابیون هفت ثور با بر چسپ ضد انقلاب، و یا هم اتهامات تکفیری از جانب غارتگران هشت ثور با بر چسپ ضد دین و ملحدیه شهادت رسیدند، فاجعه کوچکتر از قتل فرخنده را به نمایش نمیگذارد.

به صراحت میتوان گفت که، دامنه آن فجایع که کوچکترین حاصل آن همین آوارگی و بی وطنی موجود ماست، و ما در دیار دیگران بر غم آخرین قربانی مظلوم یعنی فرخنده، اشک میریزیم، به هزاران بار بزرگتر و وسیع تر از شهادت فرخنده این زن بی دفاع و مظلوم است که : این حداقل قبر و نشانی دارد، و جنازه اش بر شانه ده ها زن شجاع هم دیارش بدرقه و بخاک سپرده شد، ولی فاجعه شهادت آن شهدای بیگور و نشان راکه، فقط گاهگاهی گورهای دسته جمعی بی نام و نشان ایشان با پدیدار شدن تصادفی قطعه استخوان بازمانده، در نتیجه باد و باران و یا هم کارهای زراعی و ساختمانی آشکار میگردد، با چه زبانی باید است تعریف کرد و با کدامین واژه ها میتوان به تصویر کشید.

ایکاش فرخنده آخرین قربانی بود و ما توان آن داشتیم که آخرین غم و اندوه، اشک و ماتم خویش را نثارش کنیم. اگر مرگ انسان ارزشی دارد، و قتل انسان ام الفجایع است، پس کشتار فاجعه بار و همه روزه هر مرد و زن هموطن ما که، در نتیجه حملات تروریستی، حملات انتحاری، انفجارات سازمانیافته

، و یا در جریان وظیفه سربازی در جهات جنگ ضد دشمن صورت میگیرد ، تماماً فجایع و جنایاتی اند که هیچ یک از این قتل های وحشیانه و مظلومانه، از قتل فرخنده سبکتر و بی ارزش تر نیستند و نمیباشند. چه بسا که اگر زن را در کشور خود، با معیار های مدنی معینی، قربانی خشونت های سنتی و غیر سنتی جامعه مرد سالار افغانستان ارزیابی نماییم، در هر لحظه زندگی صد ها فرخنده بگونه های متفاوتی نیست و نابود میشوند، و کمتر کسی از راز های پشت پرده سربسته نیست شدن آن زنان مظلوم اطلاع حاصل میکند و هیچ مرجع داد رس به جز خدا درین رابطه موجود نیست، و قانون اساسی کشور بزرگترین منبع نقض حقوق زن با مشروعیت بخشیدن و قانونی ساختن تعدد زوجات برای مردان است که، که حتی عده زیادی از آقایان متمدن و مسکن گزین غرب و اروپا هم که، دست شان به خوان یغمای دولت چپاولگران در افغانستان چسبیده، و مقامی را بنام وزیر، معین، رئیس، سفیر، والی، قوماندان و غیره از آن خود ساخته اند، از این امتیاز قانون اساسی بهره گرفته ، با جا گذاشتن زن و اطفال در اروپا و غرب از نعمت اهدایی قانون اساسی سود جسته، خود را صاحب چند زن و معشوقه نموده اند که، تعداد شان اندک نیست. من تعجب میکنم که عده از هموطنان و فرهنگیان از روز ها بدینسو امر بازخواست خون فرخنده را به همین قانون اساسی زن ستیز و مجریان زنباره قانون اساسی حواله میدارند، و انتظار دارند که قتل فرخنده بی کیفر باقی نماند.

همه شاهد خواهیم بود که امر قانون بالای چند جاهل و لگرد و بی کس و کوی از زمره معتادین زیر پل شاه دو شمشیر تطبیق خواهد شد ، ولی عاملین اصلی قضیه که، این فاجعه امتحانی را ، با هدف ارزیابی اوضاع ، در جهت بد امن تر ساختن شهر کابل و ولایات کشور، با استفاده از لشکر بیکاران، بیماران روانی، معتادین مواد مخدر، توده تحمیق شونده و جاهل از نام دین و قرآن، با دست اندر کاری جاسوسان و گماشتگان حلقات مافیایی و ارباب زر و زور، در دولت و خارج از دولت است، کوچکترین آسیبی نخواهند دید.

شاید با مدال، ترفیع و غیره تقدیر هم شوند. !!!!!
اما آنچه که من درینجا خواهان بیان آن هستم ، مسأله پامال شدن حق انسان اعم از مرد و زن است، و در کشور ما کدام روز است که انسانها ترور و یا اسیر نمیشوند.

ما اگر در سوگ شهادت فرخنده سینه زنی کنیم ولی آن سی و یک اسیر هزاره کارکر را که، در راه بازگشت بخانه توسط طالبان و القاعده اسیر و تا حال بی سرنوشت اند، و یا آن سیزده تن انسان بیگناه هزاره را که در مسیر راه میدان وردک وحشیانه بقتل رسانیده شدند، و یا آن نوعروس و تازه دامادی را که بادوازده تن از اعضای فامیل خویش در غور تیر باران شدند، و ده ها فاجعه دیگر را، نادیده و یا نا شنیده انگاریم، مسلماً خطای جبران ناپذیری را مرتکب خواهیم شد. زیرا اگر قضیه اساسی قتل انسانهای بیگناه باشد، پس تمام این انسانها ، مظلومترین انسانها اند.

آنچه که نباید است فراموش شود، همانا جلوگیری از افزار سازی فاجعه قتل فرخنده، و دیگر شهدا در جهت نیل به اهداف سیاسی و بهره برداری های رقیبانه میباشد، که متأسفانه این بازی به شدت در جریان است، و خون مظلومین اکنون هم همانند گذشته ها، همچون متاع داد و ستد بازار سیاست، مورد تجارت واقع میشود.

عربده های ملا ایاز نیازی، زلمی زابلی، حشمت استانکزی، سیمین حسن زاده و غیره با سازمان یافتن راه پیمایی های یک عده دلالان دین، در برابر تظاهرات اعتراضی شهریان کابل و جامعه مدنی، دارد جامعه را شدیداً به طرف یک انقطاب سیاسی و خونین میکشاند که، زهر کشنده اینگونه انقطاب ها که اکثراً ریشه در حلقات اسخباراتی کشور های خارجی و گماشتگان داخلی آنها دارد، چندین بار مردم ما را با استفاده از نام دین مسموم و محکوم به تحمل بدترین فجایع ، همچون سقوط دولت اماتی نموده است که، باید روشن اندیشان جامعه ، بصورت جدی و پیگیر مراقب این خطر باشند، و از در افتادن در دام انقطاب دین و غیر دین جداً جلوگیری نمایند.

پیشتر اشاره نمودم که، قتل فرخنده عاملین جداگانه و پشت پرده با مجریان جداگانه روی صحنه را دارا می‌باشد.

پس اگر مجریان این فاجعه را یک مشت انسانهای جاهل و فریب خورده بیکار، معتادو عاصی در برابر زندگی ارزیابی کنیم، عاملین اصلی چه کسانی میتوانند بحساب آیند؟
عاملین اصلی عبارت اند از افراد و گروه های وابسته به القاعده، طالب، داعش، بنیاد گرایان سنتی، حلقات مافیای مواد مخدر، دزدان، انجو ها، قاچاقبران، زمینخواران، مافیای فساد ورشوه، ایادی وگماشتگان استخباراتهای خارجی که عمدتاً در مقامات نظامی و امنیتی، عدلی وقضائی مرکز و ولایات، ارگ ریاست جمهوری، گمرکات و دیگر مراکز سود آوردولتی جا خوش کرده و توسط، یک عده نمایندگان در مجلسین سنا و شورای ملی مورد حمایت واقع میشوند.

پس اگر ما خواهان آنیم که اصل فاجعه را از جامعه خود ریشه کن سازیم، باید از دریافت و تعریف مشخص علل و عوامل بنیادی فجایع، با تفکرات و اندیشه های فاجعه آفرین در متن جامعه خویش، آغاز بکار نماییم، تا با پرهیز از هر نوع پیشداوری و خود محوری فردی و گروهی بتوانیم راه نجات این سرزمین را از وبای تمامیت طلبی ها و بنیاد گرایی های آزادی کش و اسارت آور، در کلیه اشکال و جلوه های آن، جستجو گر و مسیر نیل بیک دموکراسی واقعی را متناسب با نیاز های عینی باشندگان سرتاسر این جغرافیا، با هدف فراهم سازی یک زندگی مدنی وقانونمند برای همه رهگشا شویم.

خلاصه چه باید کردها:

- تلاش در جهت درک و تعریف علمی، از ریشه و عوامل فاجعه
- مبارزه سرتاسری بر علیه جهل و خرافه
- مبارزه در راه ریشه کن نمودن فقر و بیسوادی به عنوان ریشه های اصلی جهل و خرافه
- جلوگیری از دین ستیزی بجای خرافه دستیزی
- جلوگیری از افزاری شدن فجایع و مانع شدن از برخورد های مقطعی و سیاسی با هر فاجعه
- تعمیم اعتراضات در برابر کلیه انواع بیدارگری و ستمبارگی در جامعه، و جلوگیری از شگرد های فرصت طلبانه در اعتراضات
- تداوم اعتراضات با نفی تمام عوامل خشونت چون: تبعیض، تعصب، تمامیت طلبی های سیاسی، عقیدتی، قومی، مذهبی، نژادی و غیره
- جلوگیری از افزار شدن و سیاسی شدن مفاهیم مقدس و ضرورت های طبیعی چون حقوق بشر، حق و جایگاه زن، حق آزادی بیان و عقیده و غیره در بازی های قدرت طلبانه سیاسی
- مبارزه سازمانیافته و سرتاسری روشنگران در جهت بیدار سازی توده ها و ترویج فرهنگ همدیگر پذیری با هدف سیر به سوی ساختار یک جامعه دموکرات و فارغ از قید تمامی انواع نابرابری ها و تمامیت طلبی ها.
- ایجاد فضای احترام به افکار و عقاید دیگران و دریافت راه درمان مرض تحجر فکری در بین تمام اقشار جامعه بالخاصه مدعیان روشنفکری، از طریق ایجاد یک جبهه وسیع روشنگری.

روح فرخنده شاد و دستهای ستمگران کوتاه باد

تشکر